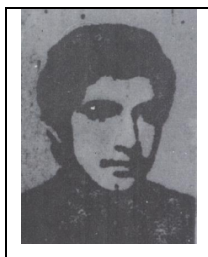


رفیق حمید جلیلی ارومیه



حمید در سال 1335 در ارومیه متولد شد و تا سال 53 که وارد دانشکده پلی تکنیک گردید، در همان جا به تحصیل ادامه داد. او در دانشکده به فعالیت های صنفی و سازمان دهی تظاهرات دانشجویی پرداخت و با حدیث و شور بی پایان به فراگیری مخفیانه مارکسیسم - لنینیسم همت گماشت و در این راه به ترجمه چند اثر مارکسیستی نیز دست زد.

او در سال 55 در یکی از تظاهرات دانشجویی به دست مزدوران شاه دستگیر شد و پس از دو ماه آزاد گردید. او در این دو ماه ضمن رد مشی چریکی جدا از توده ها، با مشی تسلیم طلبانه و رفرمیستی حزب توده نیز مرزبندی روشن نمود. شرکت وسیع رفیق از سال 56 در مبارزات انقلابی کارگران و زحمت کشان برای سرنگونی سلطنت پهلوی، تجارب وی را غنی تر ساخت و اهمیت مبارزه در یک تشکیلات انقلابی کمونیستی را به او نشان داد. او از همان ابتدای شکل گیری سازمان " راه کارگر " به صفوف آن پیوست. ساختن یک سازمان کمونیستی و شرکت در مبارزات کارگران و زحمت کشان، کاری می طلبد کارستان و لیاقت و شهامت شرکت مسئولانه در چنین کاری را، حمید در عمل به خوبی نشان داد. رفقائی که او را با نام " حسن دانشجو " می شناختند، می دانند که او چگونه برای تبلیغ نظرات و شعارهای سازمان ما در جنوب تهران، در محلات کارگر نشین و زحمت کش نشین، تقلا می نمود.

پیوند حمید با توده های زحمت کش، به همراه فروتنی و پی گیری در کارها و وظایف محوله تشکیلاتی از برجسته ترین خصائل او بود. چهره همیشه بشاش و خندان او، حکایتگر امیدش به خط متحول سازمان و انقلاب سرخ آتی بود. سرانجام رفیق حمید، در سوم آذر 60، پس از دو ماه و سه روز مقاومت قهرمانانه، بدون آن که لب از سخن بگشاید، سربلند و استوار در برابر جوخه های تیرباران ایستاد و مقاومت یک کمونیست را به بهترین شکل آن عیان ساخت. حرکتی که او و همزمانش برای بقای سازمان و خط تحول یابنده آن و الزامات انقلاب سرخ طی می کردند، بدون خون فرزندان این خلق و پیش روان کمونیستی اش غیر قابل وصول بود. یکی از رفقائی

که با وی در زندان بوده است، چنین می نویسد: « آخرین خبری که از او داشتم، در بند 6 کمیته مشترک، چشم بسته بود. بعداً از او خبری ندارم. دست راست رفیق بر اثر (دست بند) قیانی فلج کامل شده بود و پاهایش هم شدیداً مجروح بود. هنگامی که رفیق را بردند، آخرین حرفی که او زد این بود که: « تنها آرزویی که من دارم و می دانم که بعد از من قطعاً به وقوع خواهد پیوست، سوسیالیسم است...».